

خدمات شهری، دولت، مدارس و دانشگاهها را در دست خواهد گرفت.

اگر حزب ادعا کند که به تسبیح کشتل دولت واجتمعاً عرا  
دارد، و اگر این حزب انحصار خود را برقرار نماید، سیاست  
حلظکند، اگر اجزاء ندهد که توده های کارگر عطای می‌نمایند،  
انتقامات، تراویحتها و درخواست های خود را بیان کنند،  
اگر اجزاء ندهد کارگران در اداره امور دولت ورزید - آنوقت  
کم کم بین این بیوگرایان قدر قدر وتوده های کارگر، شکاف  
حق باشند ای ایجاد می شود.

آنوقت آزادی کارگران تنها به یک فرب بکاری مبتنی شد - و بدین یک دمکراسی کارگری واقعی در تمام شئون زندگی، منجمله آزادی اجتماعات و مطبوعات، آزادی واقعی کارگران، املاک عذر نیست.

این دلایل اصولی برای شرورت وجود دموکراسی کارگری با دلالت فعلی دیگری نشیده بودند - طبقه کارگر، مانند تمام طبقات اجتماعی در تاریخ، یک طبقه همگون نیستند درست است که این طبقه منانع طبقات مشترک دارد که هم جنبه آنی دارند و هم جنبه تاریخی اولی این منانع مشترک، با اختلافاتی، نیز پیوند خود را که دارای رشته های متفاوتی است: منانع آنی مخصوص از تغییر منانع حرله ای، منانع گروهی، منانع مکانی، منانع شغلی و غیره... و همچنان نفاوت هایی که از سطح آگاهی متفاوت تبعیج می شود... بسیاری از انتشار طبقه کارگر هنوز از منانع تاریخی خود آگاه نشده اند - عدمی دیگر تحت نفوذ ایدئولوژی های یورپویانی یا خردی یورپویانی قرار گرفته اند - و یازدهمای دیگر در زیر بار سنگین شکست ها و ناکامی های گذشته، بین متفاوتی و یا خفتگی که اجتماع عسرمایه داری به بار آورد ایست، شناسه ختم کرده اند.

اما تا موقعیکه تمام نظریه کارگر در عمل علیه سود  
سرمایه داری پیچ نشده است ، براند اختن آن امکان بذیر  
تیست . و این اتحاد در عمل ، تنها موقعن من تواند به خود  
شكل واقعیت بگیرد که شانع مخصوص و سطون مختلف آگاهی  
اجراه بیان بیان و کم کم با توصل به مناظره و تربض ، خشن  
گردند . انکار این تفاوت ها ، تنها منجر به از هم باشیدن  
اتحاد علی شده و گروه گروه از کارگران را به بین تفاوت دچار  
گردید و با آنها بر ارد و گاه دشمن می راند .

هر کسی که جزئیه ای در اختیارات داشته باشد، در مصلحت دیده است که موقتی آزمیزیرین اقدامات، تنها از طریق پرسنل کارگران اجتماعات متعدد از اکارگران غصه اتحادیه و بعده با درگیری شدن کلیه کارگران ذمیع، سکن می شود. در این اجتماعات تمام دلایل برله اختصار مژذوقانی می شود. تمام عقاید بیان شده و تمام چال های دشن طبقاتی افشا شدند. اگر اختیاراتی بدون برخورد ای از این گونه دموکراسی، بینا شود، امکان زیادی وجود دارد که بسازی از اکارگران با شک و تردید از آن حمایت گشته و با حسنه از شرکت در اختصار خودداری ورزند.

اگرچن جیزی د مروده یك اعصاب تنه ها مصادق باشد آنوقت صحشترد مروده یك اعصاب عمومي و يا یك انقلاب در جذدان است . تمام پرسچ هاي عظيم انقلابي کارگران از انقلاب روسие گرفته تا خيرش انقلابي ماه مه و زوفتن ۱۹۴۸ قراصه و از انقلاب آلمان گرفته تا انقلاب اسپانيا و اينها فقط چند نمونه محسنه شخوصاي که در تمام اينها وجود داشت ، طبیور ناگهاني و واقعی دو مركبا من کارگری بود در این موارde ذکر شده ، سپيارا از زونه هاي طبقه کارگر همچنین من گردد و خود را آزاد آن در سخترياتها ، مطبوعات ، سلطنه د ، بسته جند ، طبقه کارگر ، متحط ، مساختند .

خود کلمه "سوپریس" - که به معنای شواری نمایندگان کارگران است - این اتحاد مخالفین - یعنی اتحاد کارگران عذرخواست تمام روندهای متفاوتشان را بیان نمی‌کند - در دو هیئت کنگره شوراهای روسیه، کنگره‌ای که در انقلاب اکثر قدرت را تسبیح کرد، بیش از بیک د وچن روند و حزب متفاوت وجود داشت - هر کوشش که تا کنون برای خفه کردن این دموکراسی کارگری به عمل آمد - و مجمله توسط سویسال دموکراسی در آلمان و استالینیسم در اسراپنیا - اگر باعثت عقب نشینی و یا شکست انقلاب نشده، حداقل پیش رامدی بر آن بوده است .

اویسیت مندل



را به پیروزی رسانده بودند ، و اکنون اعضای کمیته مرکزی  
زان نبین ، به دست استالین نابود شدند .  
نسل جوانان از میان زین خدا امیراالمیتی و خد سرمایه -  
داری ، که اکنون به آگاهی اقلایی دست میباشد . طلایور  
خود پیشخود یه من مون دموکراسی کارگری روی می آورد . این  
والعیت در طن ماهیاتی هم و زیون (۱۹۶۸) قرانس . بیان  
صورت متجلی شد که در گرد هم آئی های داشتچوون نوکارگران  
انقلابی . از حق بیان آزاد کلیه روندها . به شدت محاطت  
من شد . با وجود این . تسلیحات همیشه از کلیه دلائل  
اصولی و عملی که وجود دموکراسی کارگری را ضروری میسازد .  
آگاه نیست .

بدین حاطر مکن است جوانان از آن هواخوشی های استالینیستی که اگرتون توسط برضی از گروههای طرفدار چن ابراز می شود و می خواهد به مردم بیانلذت که دوسکاری اس کارگری با "ناناع اقلال" در عزادار است، محسن نباشند. همایران لازم است که پیکار دیگر این دلالت بطور محکم بهان شود.

جهش کارگری برای آزادی بولتاریا جدال می‌کند. ولی  
کسب این آزادی لازم نیست از این که **کلیه اشکال استعماری** که  
کارگران را در موقع خود تنگی داشته، از میان برداشته شود.  
نهی دموکراسی کارگری، به سادگی به معنای اینست که  
شخص، علاقمند به حفظ شرایط موجود باشد، شرایطی که  
به توجه های کارگر اجازه نمیدهد تا مقابله خود را آزادانه  
ابزار دارند.

انتقاد مارکسیست از دموکراسی بروزیانی، براین علیه  
استوار است که این دموکراسی تنها یک فرمایه است. زیرا  
کارگران از آن وسائل مادی برخورده ار نیستند تا بتوانند از  
آن حقوق که قوانین بروزیانی بطور فرمایه برای همه مردم  
قابل شده است، بهره مند شوند. موقعیه تنها سرمایه‌داران  
و عمال آنان قادر به صرف میلیون‌ها دلار جریت به راه  
اند اختن یک شریه روزانه هستند، آنوقت آزادی مطبوعات  
چیزی بیش از یک فرمایه برای نوایند باشد.

تقویه ای که از استقاد از دمکراتی بروانی حاصل می شود، به روشنی اینست که باشد وسائل قراهم گردید که کلیه کارگران برای پخش عقاید شان قادر به استفاده ماز وسائل ارتباط جمعی از قبیل چاپخانه ها، محل های تجمع، رادیو، تلویزیون، بوستر وغیره، پیشوند. ولی اگر برعنکس، امن نندجه گرفته شود که تنها گروهی که خود را "حزب رهبری پروراندا" می آمدند، و با حقن گروهک گوچک که اعدا میکردند "انقلابی واقعی" است، حق آزادی بیان، استفاده از مطبوعات و پخش عقاید خود را دارد، آنوقت این خطر بروجور می آید که بجای وفع ستم سیاسی از کارگران، این نعمت شدید گشته باشد.

استالیتیست ها اغلب در جواب پیوگرند که برجیده شد  
سیستم سرمایه داری، مساوی است با آزادی کارگران - با  
نهز اینرا قبول داریم که لغو مالکیت خصوصی د روسایل تولید  
لنور انتقاد سود حرج، و برجیده، شدن دولت سرمایه داری  
شرايط اساسی را برای آزادی کارگران تشکیل مندهد . ولی  
لگتن اینکه اینها شرايط "اسامی" است، بدین معنی  
نمیست که این شرايط، "کافی" هم نمیست . غیرا به همان  
روزی که سیستم سرمایه داری برجیده میشود، این مسئوال  
بیش خواهد آمد که چه گensis کنترل کارخانه ها، اقتصاد

## دربارہ دموکراسی کارگری

مقاله زیر نوشه اریست مدل، اقتصاددان مارکسیست  
بلارکی و یکی از رهبران بین الملل چهارم است. او در این  
مقاله به تشریح مرض مارکسیست های انقلابی «مارکسیست دموکراتیک» کارگردی و برونس طلاق و رنده های مخالفت با آن  
من بزرد ازد. این مقاله در رابطه با حادثه ای که در توانیسر  
۱۹۶۸ در اشغال آزاد پروکسل اعماق افتاب نوشته شده است.  
در آن موقع، راهبرگ آزادی یکی از رهبران حزب  
کمونیست فرانسه برای ایجاد سختگیرانی به داشکله آزاد  
پروکسل آمد. بود. در جلسه سخنرانی یک گروه مالکیست و  
پیک گروه دیگر آنارشیست در مدد تخریب جلسه پرداختند. با  
داد و فرید و آشوب از سختگیرانی آزادی چلوگیری کردند و  
عاتیت او را به نور از جلسه «سختگیرانی هیرون کردند.

عملیات تخریب گروه های ناشناس که تحت عنوان  
طرند اری از پوشی گروه های سیاسی از قبیل «اعجاد پسنه  
کمونیست های ایران» و «سازمان بیکار در راه آزادی طبقه»  
کارگر از پیگویاری جلسات سختگیرانی احراب کارگردی و  
سویا لیست چلوگیری من کنند. ضرورت پیام از زیر ای  
دمکراتیک کارگردی در جنبش کلکس ایران را روشن می سازد.  
از آنروز، این مقاله را که رابطه مستقیم با بحث فسوق دارد  
در زیر چاپ می کنیم. مدل این مقاله را در شماره های ۱۶ و  
۲۳ نوامبر ۱۹۶۸ در تشریه سویا لیست لاتکوش (چسب)  
جای باریک منتشر کرد و ما با اندکی تلخیص آن در زیر  
ترجمه کردیم.

عادت ناصل آرزوی که هنگام سخنرانی "کارادی" در  
داستانهای آزاد بروکسل اغلب افتاد، مرا برآن داشت که مکار  
دیگر به توضیح این مطلب بپرداز این که چرا ماسا به اصول  
دمکراسی کارگری باعیند هستم.

دمکراسی کارگری همیشه یکی از رایهای اصلی جنبش  
برولتاریائی بوده است. پیشیانی صراحت از این اصل، هم  
در زمان مارکس و انگلیس، و هم در زمان لنین و تروتسکی، یکی  
از سنت‌های جنبش سوسیالیستی و کمونیستی بود، بدینکاری  
استالینیستی در اتحاد شوروی بود که این سنت را لکددی سال  
کرد. پیروزی موقت، ناشیم در اروپای غربی و مرکزی، بسیار  
نوبه خود به تضمیف این سنت کمک نمود. معداً الک، روشه  
های مخالفت با دمکراسی کارگری، عصیت تر و قدریعنی تر از  
ابتهاست. این روشه از بروکراتیزه شدن سازمان‌های پسرگ  
کارگری آب من خورد.

بیوگرافیاتی سوسیال دموکرات و بیوگرافیاتی اتحادیه های کارگری، اولین کماسی بودند که اصول دموکراسی کارگری را نزیر یا گذاشتند. پس از کارهای اولیه آنان این بود که جلسات عمومی اضافاً را در فواصل طولانی برگزار می کردند. سپس دست به تغلق در جلسات رأی گیری زدند و حتی از تشکیل چنین جلساتی خودداری کردند. آنان همچنین آزادی بحث و انتقاد را در داخل سازمان های خود شان محدود نمودند و یا پکی از آن جلوگیری کردند. در مبارزه علیه اقلیت های اقلایی درون این سازمان ها، آنان از توسل به پالمین (منچه) پاییزه مخفی درنگ نکردند. در زمان جنگ جهانی اول، سوسیال دموکراس آلمان، مثال خوکاکی از هنگاری با اینروای سرگوب گشته دولت از خود به سادگار گذاشت. در سالهای بعد، سوسیال دموکرات ها همه جا این کار را مشق خود قراردادند.

بیوگرافی شوروی و بد نهال آن احزاب کمپونت استالینیست و اتحادیه های کارکری که تحت رهبری استالینیست ها بودند) به سادگی این شوه را که سوسال دموکراسی پایه گذارده بود، بد نهال گردند و آنرا بیشتر و بیشتر وسعت دادند. آنان آزاری بحث و وجود روند های مختلف را قدغون تندند. بحث و مناظره بین روند های مختلف، جای خود را به تهمت و دروغ داد. آنان برای جلوگیری از ایجاد درد نیاز طرق مخالفان خود بی استقاده شدید از اعمال خشنوت آمیز روی آوردن. بدین طرق بود که در طن سالهای سیاه تعلیمه پسرگز ۱-۱۹۴۸ (۱۹۴۵)، تمام رهبران قدیمی حزب پاشویک که انتلاط اکبر

مصاحبه با ارنست مندل درباره ماهیت، ویژگیها و ابعاد بین‌المللی انقلاب ایران

بن شایانی وشن است. اما در قاع خامس از این جلوسو  
من توان رفت. بگذرید اینجا به این مقال دار سطح چشم -  
ند ازهای انقلاب و سپس در زمینه تحمل پاسخ دهم. هر  
جند مکن است این کار به نظر غیرباید، اما نکن من اکنون  
چنانچه مسئله تا حد ممکن کاملتر طرح شود. ساده تر هم  
حواله بود.

تیام توده ای علیم روزهای اخیر در تهران که فاتحست  
دسته دو قوه سلطنت ایران را رئیسگران ساخت من تواند راه  
ای برای پیشتوی در سیر انقلاب پیگیره بعثت رسیدن به  
برقراری حکومت کارگران و دهقانان و برآنده اختن سرمایه ای از  
در ایران باز کند. برای اینکه چنین اتفاقی رخ دهد، یعنی  
برای اینکه دیناهمیم انقلاب ایران همچون نموده انقلاب روسیه  
پیش روید به دو عامل نیاز خواهد بود: تخت تعمیر و  
تحکیم و پیشیتند تو دو گاهه، یعنی تحکیم و گشتن خود.  
ساماندهی توده ها در محلات، در کارخانه ها، و در  
روستاها و نیز تسلیح توده ای: دوم ساختن یک حزب  
انقلابی مارکیست، به حد لازم متقدرو الیه دارای خط  
سیاسی صحیح که بتواند اکنون توده های ایران را به  
برنامه ای علیه سرمایه داری، نه قطع برنامه دموکراتیک و فرد  
اینها بست، بلکه برنامه ای مستهبا سوسالیستی و ضد  
سرمایه داری جلب کند. وشن است که شوط نخت اسکان  
پذیر است، حتی بشکل فوری، اگرچه حد در حد جتنی  
نمیست. در روزها و هفته های آینده معلوم خواهد شد که  
اینها پس از تیام توده ها به اشکانی از خود سازماندهی هست  
شناختن مقتول از دولت پیروی دست خواهد یافت یا نه.  
شناختن مقتول از دولت پیروی دست خواهد یافت یا نه.  
شروع دوم به مدت زمان پیشتر نیازمند است. زیرا وشن  
است که انقلابیون سوسالیست در سرگذاشت این جنبشان اغلاص  
دو توقیه با بشیک در فوریه ۱۹۱۷، بیمار ضعیفیتند.  
زمان زادی لازم دارد تا چنین مختار رسانید و توده ها را  
به خود جلب کند. پس اگر مسلط را در این شکل مشخص  
در نظر بگیریم من توانم گفتم: بخوان پیشین فرض که  
در ایران انقلاب فوری انجام شده است اما اکنون به همان  
مرضت نخواهد آمد و به مدت زمانی پیشتر از نه ماه نیازمند  
است. اما به این همه نیز توان اطمینان داشت. زیرا تمامی  
خلات از تیره های ساسی بورژوا و خرد بورژوا پیش از این تاریخ  
در راه ایجاد مانعیا به تأخیر اند اخشن و مترقب گردند.  
چنان انقلاب پیگیر در ایران است. اینان کوش خواهند  
کرد و کلی انتقال خود سازماندهی رزمگران را تحمل  
سازند و شکل از جمهوری بورژوا را برقرار نمایند. جمهوری  
سلام اگر برایه مانکت جمعی وسائل تولید استوار نهاده  
جمهوری بورژواست. هیچ بدیل دیگری در این جهان  
وجود ندارد. با دولت کارگری و یا دولت پیروی ای خواهند  
داشت. دولت اسلام اگر هیچ یک از این دو شکل داشت  
با کارگری با دولت بورژواش تبادل وجود خارجی هم نخواهد  
داشت. و این برای همه کسانیکه به راه حل میان معتقدند  
با دنیا پیخت در روزها و هفته های آینده چه رخ من مهد.  
پس حتی مسئله چشم اندیز انقلاب را نیز نیز توان  
بظور فوری پاسخ داده شده غرض گرد. قطع من توان راه.  
های ای متأثرا را ترسیم کرد و باید دید در کشور و بخصوص  
در پایتخت در روزها و هفته های آینده چه رخ من مهد.  
پس بسیار سهیج و تعیین کننده خواهد بود. ولی حتی اگر  
ترکیز از تیره های سیاسی بورژواش که در جمهوری ملس گردد  
مدد ماند، به اضطرار احتمالا بخش از خود ارشت، موقع شوست  
که بطور موتف شکل از جمهوری بورژواش را شنید کند. وند  
انقلاب پیگیر ادامه خواهد یافت، گرچه از طرق غیر مستقیم  
و رکنتر از این طبقاتی ای که در طول وقت های گذشته بین شده اند  
نهان عطیه شد و رادیکالیست شدن و ساسی شدن توده ها  
نهان سریع پیش و قفقه که غیر قابل تصور است که در دروره  
وتراهن پیشان توده ها را حل کند و آدمان های اساس آستان را  
مهاجم گویا شد و خواست های اساس دموکراتیک، اجتماعی و  
اقتصادی آشنا را برآورد سازد. پس حتی اگر شایست نسبس  
نهان های دولتی هم ایجاد شود و قدرت دو گاهه از میان  
روز و آن روز، اما درین حال توده ها همچنان میاز و مصمم باقی  
مانند، از حکومت پیشتر و پیشتر و متأسیت یا خواست.  
نهان شناسی ناراضی میگردند. آنوقت شرایط بیارزه توده های علیم

سؤال ایشان از یکسال و هم است که ایران در مفت  
قدم انقلاب جهانی قرار گرفته است. دیناهم و نیروهای  
در رونی انقلاب ایران را چگونه منبیرون؟ دیواره "تائیر آن  
بر تکوشهای دیگر منطقه و جهان چه فکر من کنید؟

جواب: طبقیان جنبش توده ای در ایران، و سعیت و  
راد بکالیسم آن، یعنی از مهترین روندهای افلاطون این  
قرن پیشمار می‌آید. صریحتر از چگونه نیزه؟ تهائیس که  
انقلاب داشته باشد - یقند دو جوان عظیم تغیرات انقلابی  
را بحرکت دارای وارد - است: نخست آنکه جوان انقلاب پیگیر  
در خود ایران آغاز شده است و دیگر آنکه مواضع امیرالیم و  
سرمایه داری در کل خاورمیانه و بطور غیر مستقیم در حضنه.  
جهانی اوضاعه تضییغ شد - است. ترکیب این دو تغییر  
بعضی تغییری در کل شرایط جهانی است و شاید با تغییری  
که در شرایط جهانی پس از شکست امیرالیم آنکه در  
ویتمان ایجاد شد تاپل مقامه باشد - انقلاب ایران صحبت  
این داروی متفق الرأی بین الملل چیزی را که چندین سال  
است عنوان شده - ثابت می‌کند: طبقیم پاره ای حق نشینی.  
های لحظه ای در این با آن بخش انقلاب جهانی، تایپ  
تیورما در تیاس جهانی همچنان به زبان امیرالیم و  
سرمایه داری تغییر می‌باشد و برخاست انقلاب جهانی  
همچنان خصیمه غالب اوضاع بین المللی است. آنچه تا حال  
در انقلاب ایران از همه جیز چشمگیرتر بود - است و در  
سراسر جهان انقلابها باید آن را بدقت طالعه و درک  
کنند و دش انقلابیها نیز بدنبال قدم آن عواهدند بسود.  
ظریطی را که مارکسیست مای انقلابی بین امثله چیزیم دار  
طول دهال گذشت پیگانه مذاقبنده آن بودند تأیید می‌کند:  
یعنی طرقی عظیم، طرقی تامحد و سین و معین شون توده  
ها. توده های شهری، در از کار انداختن و سرگزین کردن  
هر دستگاه اختناق هرچه هم که به نظر مقدم راید - از این  
لحاظ روشن روزهای اخیر، دروس تمام تبران، دارای  
ازتش تاریخی و جهانیاند - امروزه یک جبهه متعدد - اگر  
بنوان چنین عنوانی را در این مورد بکار برد - یک جبهه  
متعدد بطورهای از بروز امپراطوریان یا از ملکان  
دولتی این ارتش را این ارتش می‌داند - از این  
حقیقی آنها که ترقی انتشار کم و پیش همیشگی و جهانی  
پاکیک های چریک هستند ایجاد شده است. اینسان  
محققند که بخاطر تدریت عظیم نیز ارتش های نوبن - از بای  
در آزادی و برآنده اختن آنها از طرق سیچ توده ای غیرمیکن  
است. در مورد ایران نا ارتقی را در مقابل داشتم که نه  
بد لیل شکست در چنگی بین الملل مایوس شده بود (آنطور  
که مثلاً روحیه ارتش روسیه در سال ۱۹۱۲ خراب شده بود)  
و نه ارتش که متلا بخاطر حمامتی ازیک کودتا عیناً تجزیه  
شده باشد (خطیر ازش انسانی در سال ۱۹۴۶) - برعکس،  
ما با ارتش روسیه بودیم که کاملاً متعدد بظری مرسید، از نظر  
تفنی دارای درجه سپار بالایی بود - سپار مدن بود - یعنی  
از مدین تین ارتش های جهان محسوب می شد - ارتش بود  
که افراد رسصد تا مزد خلوی می گرفتند، از امیارات فراوانی  
برخورد ای روسیه بودند، ارتش که قویاً حامی زریم بود و بنظر  
روزنه تا پایه ای آمد - اما چند مفت سیچ نیز بودند توده مای -  
بسیجی ما چنان وسعت که ما هرگز نموده اش را نمی دیدیم  
بودیم - یعنی وجود بیلیون ها تقریباً عیاپانها. با تسام  
اعمال را بدیکل سازیماده هی و میازده توده ها - این ارتش را  
کاملاً ملاطفان گرد - نه از طرق فنی یا نظمی - بلکه در درجه  
تحصیت این ارتش از نظر اجتماعی و سیاسی بود که را سو  
در آنده و این موضع بیروزی فنی قیام را نسبتاً آسان کرد -  
در ضمن با باید به اصلاح طلبان، استالینیستها، و محتدین  
به تغییرات تدیجی یاد آور شد که اگرچه این بیروزی به  
پیوای کشته شدن افراد سپاری بدست آنده - که با بد امان  
احترام نیگذاریم و از کشته شدن افراد سپاری بدست آنده -  
کشته شدگان قیام تبران سوگواریم - ولی رقیم  
که بلاناصله پس از کودتای پیونش در شیلی کشته شدند - و  
از این نظر استراتژی مارکسیست انقلابیان در مورد سیچ و  
نظام توده ای حق از نظر حفظ حیات انسانی نیز اعتبار خود  
را نشان داده است. این را تجربه قیام تبران و انقلاب  
ایران ثابت کرده است.

سؤال: شایه و تعبیر میان انقلاب ایران و انقلاب روسیه  
را چگونه ارزیابی می کنید؟ بنظر شما کدام دروس انقلاب  
روسیه بکار انقلابیون ایران می آید؟

جواب: در این مرحله از پیشرفت انقلاب مشکل میتوان  
به این سوال باسخ قایع گشته ای داد - چرا که ما تازه در  
الاز حرکت انقلابیان در ایران هستیم - من توانم میان سقوط  
استبداد و سلطنت تزاری در انقلاب روسیه و سرگزینی استبداد  
سلطنتی، منشاء اخراجی - توان خواه - توان ایجاد -

به این معنا است که شخص در قید بودگی مقابله باشد فلسطین محلیات مأکانی و اشتباهاشی که مجرم به شفعت و حتی تجاوز قاجمه اینگونه شود، باقی بماند.

غالباً گفته می‌شود که مارکسیسم رهبری دارد اما این درست نیست. ولی فرق مارکسیم با سوسیالیسم تحلیلی اینست که مارکسیم به تحلیل علمی استناد می‌کند و تمرکزش تنها بر زوایی عمل شخص و خالق نیست. تمرکزش بر زوایی علیم است که من تواند واقعیت تاریخی را متأثر کرده خط سیرش را در جهت بخصوصی سوق دهد. یعنی در جهت انتقال انسانیست، به طرف آزادی کارگران و تمام بشریت.

از پیروزی خود علاید و روندهای مختلف است که محکمیت ایمان  
تجلوی بالانس و قدر می‌گردد به عنوان راهنمای عمل انجام  
و طبقه گرد . علی که از تفکر "پیکواخت" ، نکای و گود کاره  
بررسی خیریه . علی که در اثر عدم وجود دکتری موسوی  
انتقاد بلامانع فرازمن‌گیرد . محکم به شکست حقی است .  
جنین علی ، اگر تو سط پاک گروه کوچک انجام شود . موج  
بد بد آمدن پاس و توبیدی افزاد گروه من شود و اگر تو سط  
اعجاد به های کارگری و با احزاب بزرگ به آن انتقام شود .  
شکست کل طبقه را به دنبال خواهد داشت و در موردی که  
تولد های کارگر در آن ذمیتع باشد . به شکست هائی  
من انجامداد که خفت . محرومیت و حتی تلافات کارگران را با همت  
حوالد شد .

غالباً محاکل استالیستن در جواب دلالت که در مباره  
ضرورت اصولی و عملی وجود دموکراسی کارگری عرضه می‌شد،  
نمایاند چند؟ با نیزونیست ها، عمال سرمایه داری و  
نمایندگان دشمن بحث نمی‌کنند. در عمل هم آنها کوشت  
می‌کنند تا اختناق. و حتی قتل و استقدام از تانک‌علیه  
کارگران (از بحکومات مستکو گرفته تا تهاجم به مجاہستان و  
چگلواکی) را جانشین بحث و مناظره کنند. «اور» چه ها،  
با تواضع پیشتری خود را به مانع از سخنرانی «گارادی»  
محدود کرده و بین شک خوب آن روزی را می‌بینند که آنها  
تبیز مانند استالیست ها پتوانند از روش های «مثر» تری  
استفاده کنند.

البته بروزگارس های طبقه کارگر، عمدتاً توسعه سوق  
دفن طفیلان های متداوم اتفاقاً در کابالهای رفوبیم و در  
نتیجه جلوگیری از مشترک شدن امکاناتی که برای سرگذش  
گردیدن سرمایه دارد به وجود آید، از نظر عینی به مطلع سرمایه  
خدمت من کشند. آنها همین نقش را با تغذیه روزانه ای که در  
حبابیت از سازش طبقاتی روی کارگران من گذارند، ایفا کرده و  
بد پیوسلیه با نشر عقایدی که از دنیا بروزیانی گرفته اند،  
آگاهی طبقاتی کارگران را تضمیم می کشند.

وظیله و نقش عین این بیوکراسی‌ها، تنبیه به محاافظت از اصلاح طبقاتی خلاصه نمی‌شود. آن‌ها در حالی که عملیات عادی رفوبیستی را دنبال می‌کنند، با منافع روزمره سرمایه‌داری در تصادم می‌افشند. بالا رفتهن دستمزدها و قوانین خدمات اجتماعی را که رفوبیست‌ها در معاوضه با قول و قرارداد خود می‌بلند و گردند در خواسته‌های کارگران در های خود می‌بینند. اساس سیستم را پنهان نمایند ازد، به دست چارچوبی که اندیشه‌های انسانیت تقلیل می‌نمایند. اوردن مانند، سود سرمایه‌داران را تا اندازه‌ای تقلیل می‌نمایند. سازمان‌های اتحادیه کارگری که اینان را بینشند و در دست داشته‌اند، اقدامات مترکز شده کار را در روابط روزانه بین کارگر و کارگرها به روی صفحه‌های اوردن در نتیجه، برخلاف قانون اگذشت که اتحادیه‌های کارگری که در تضاد کم بود و یا اصلًا قدرت نداشتند، امروزه از این تعداد مراتب نتایج به کلی متفاوت حاصل نمی‌شود.

موقعيک انتصارات سرمایه داری در حال رونق است،  
بیرونی از ای اخیر است در ازا "علم اجتماعی"، قیمت این  
امتیازات را بهبود ازد؛ ولی واقع که وضع انتصاراتی سرمایه داری  
روزی و خامت می‌گذارد، همین امتیازات نیز برای بیرونی از ای غیر-  
قابل تبول می‌شوند. آنوقت است که منافع سرمایه داران حکم  
می‌گذند که تمام این سازمان‌ها — و حتی معتقد‌ترین و  
هرچهاریست ترین آنها را — از سرمه دارند. در چنین  
وضایعی، نفس وجود اتحادیه کارگران با ادامه یقیناً  
نمی‌تواند مرتباً ایجاد شود.

این جزی است که ماهیت والفس بوروگراس و فرمیتی را در جنبش کارگری عیان می‌کند: این بوروگراس از اصحاب رسمایه مشکل نشده که نعروی کار را می‌خورد تا ارزش‌مزاود به منک آورند - بوروگراس مشکل آز کارمندان مزدگیری (از سازمان‌های کارگری و با دولت) است که هم ارد و گاه سرمایه‌دار و گاه بولتاری نوسان می‌کند و بر حسب منابع خصوصی بقیه در صفحه ۶

دیگر اس

فقد ان د مژکراس کارگری نه تنها در اتحاد عمل خلخله وارد می آورد . بلکه از فراهم نمودن يك خط سیاست صحیح نیز جلوگیری می کند .

درست است که جنبش کارگری یک ایجاد عالی شوند  
یعنی - مارکسیسم انقلابی - را درست دارد که می تواند  
آن را در پیچ و خم های سیاست راهنمای مبارزات انتصاراتی  
اجتماعی و سیاسی رهنمود کند . ولی از این ایجاد باید  
به طرق صحیح استفاده شود . و هر شخص نبست که  
احتمال استفاده صحیح آنرا در اختیار داشته باشد .

بدون شک مارکس و لنین نایخه بودند . ولی زندگی و تاریخ بدین وقت سائل چدیدی را طریق می کند که بسیاری حل آنها نمی توان نقطه به متون قدیمی اکتفا کرد . «استالین» که بسیاری از گویندهای صادق ، قبل از مرگ او را "عاری از خطای" می دانستند ، در حقیقت انتباهاش مرتکب شد - جنایتش که جای خود دارد - که بخوبی از آنان ، مانند سیاست کشاورزی او ، برای بیش از سده نتایج مهلاکی هرای تمام مردم شوروی به بار آورد . ماقومیه تویک که بروخی دیگران از ساده لوحان اور آنیز "ماری از خطای" می دانند ، بر سیاست "ایدت" رهبر حزب گویندیت اندونزی ، حتی تا آستانه کودتای نظامی صحه گذاشت . قتل عام ۵۰۰ هزار نفر گویندیت و کارگر اندونزی تا حد و نیادی نتیجه همین سیاست بود .

خود مانو این انسانه را که کیته مرگزی حزب "همیشه صحیح می‌گوید" در قطعنامه معروفی که کیته مرگزی حزب کوئنستیت چین در آوریل ۱۹۶۲ در باره "انقلاب قره‌نگی" تصویب شود، رد کرد.

وی اگر هیچ شخص و یا گروهی انتشار حقیقت و ادال را در دست نداشته باشد، آنوقت برای تعیین خط مسح سیاست پنهانی **ضرورت** پیدا می‌کند. ضرورت بحث، راجحت هر پهلوانی تلقی نموده است و این بهانه که مخالف سیاست مبنی "شد الملايين" است، به قدمت خود پیروزگاری است و یا برجسب زنی و حمله بدین را چاپگران بحث و مناظره کردن،

شکاف میان خود و اکریت جامعه را عیق نمود و سینه  
من نماید و از این رو به آرتش میدان مدد - ارجاع تپیز  
با همین ارتش و با استفاده از همین ضعف حکومت، چنیش  
توده ای و خود آین حکومت را در هم خواهد کوید - اکنون  
بیرونی یک کودنای دست راستی دو شرایط که توده های  
سلیح بهم پیوسته باشد و در راه بنای شرایهای خود میاره  
نمایند وجود ندارد - لنهای پس از یک دوره پاس توده های  
چنانچه توده های خلخ سلاح شده شاهد شکاف عیق میان  
خود و دولت منتبخ خود گردند - تبروهای ضد انقلابی  
اکنون این طای قتلش خود را غواهند بافت - در شرایط که  
چنین دوره پاس توده های آغاز شود و محدودیت مهندان  
عملیات دولت که به اکریت جامعه متکی نیست روشن گردند -  
و رطبه انقلابیون مثل همیشه رجوع به توده هاست، این  
توده های سلح و میارزند که در شرایط انقلابی شکاف میان  
خود و حکومت خود را برخواهند نمود - آنها هستند که  
انقلاب را تا به امروز بیش بردند و فقط آنها بند که  
می توانند بعد از این هم آنرا به پیش ببرند.

حجزه گارس

«روح اکنہد به مصالحه آئندہ» را رسیلیت کہ این هفتے در آیندگان ترجیعاً شجاع شد، در پس جملات زیبای آئندہ کہ «کارگران سنگ بنای انقلاب هستند» و «موسیالیم با حدود حکم و فرمان ساخته تنی شود» این جملات خواندنے را یعنان می دهد: «واعمیت خاص شیل این است که مردم آن بطور مستقیم قدرت محدود و معین دارند و نیزه های سلح احساس صریح حرفاً در مورد وظایف خود دارند» احساس صریح حرفاً که در سپتامبر ۱۹۷۳ میونتای از آن را در کودتا ی بینوشه دیدیم. یا بازجا ی دیگر آئندہ من گوید: «اگر کارگران عنصیر میں این نکتہ را به درستی درک نکنند اوضاع و خیم خواهد شد. اگر بلکه کارخانه دگمه سازی اعتراض کند مملکت جای تاریخی خواهد داشت، کارخانه ناساجی هم همینطور، ولی اگر کارگران عنصیر میں با معادن ذغال سنگ اعتراض کنند عواقف آن برای مملکت بصیرات جدی خواهد بود. در جنین موقعیتی تبازنده وجود اور آگاهی کارگران خواهیم بود» (آیندگان ۲ اسفند ۵۷ م/۲)

شکل گرفتن و تعمیم است دلنش در خلخ سلاح کردن توده ها  
چیزی جز بقای دولت سرمایه داری نیست . عمدتاً نیروهای  
شد انقلاب و خانی به مناقع طبقه کارگر می کوشند با سازمان  
دادران یک بنا اید توپریک عمل خلخ سلاح کردن توده ها  
و بقای دولت سرمایه داری را توجیه نمایند . مردم را از هرج  
و مرج می ترسانند ، یا از عدم صلاحیت اخلاقی توده ها در  
حمل و نقل اسلحه یاد نمایند با ارتضی داشت را بیطرف  
و مدعاون مناقع رجیان معرفی می کنند . خالصه می کوشند  
که شکاف بیان دولت و توده ها را تخفی نمکه دارند . در این  
بیان انسانه می طرف ارتضی از همه مواد دیگر شرم آورتر  
است . به طور کامل قلب واقعیت است . در کلیه مبارزه  
بی امان هیچ فرد با تهادی بیطرف نیست . ارتضی فقط  
زمانی می طرف خواهد بود که مردم باشد . هیچ راه دیگری  
جهیت بیطرف ساختن ارتضی نیست مگر نایاب ساختن کامل  
آن . پاید جامه سربازی از شن هر سری از هرین آبد و اوجون  
دیگر حسنه کار می ازین مصالح جای گرد . اینجا  
دیگر بیان کارگر و داشتویی که اسلحه بدست گرفته و به  
نیبرد با ارتضای ادامه میده هند و این من از ارتضی سایی  
تفاوتش خواهد بود . همه آنها سرباز ارتضی مقدمه گسان  
جامه اند و تحت نظام دموکراتیک شورایی در جهت مناقع  
اکنیت جامعه مبارزه می نمایند . یک هدف دارند و روش  
مبارزه شان را خود تعمیم می نمایند . اما زمانی که در راس  
ارتضی دست بروزه های سیا جمع شده اند و دست انسدر  
کاران کودنای ۲۸ مرداد به سرکار آمداند افسانه بیطرفسی  
ارتضی در پی شرم آور است .

در مرداد ۱۳۴۲ ارشتی که مدعی پسوند "در کار  
سباس خالت نمی‌کند" و ظاهراً نخست وزیر قانونیس را  
پذیرفته بود چه گردید؟ آیا تهدیدهای که خالق ۲۰ تیر  
۱۳۴۱ بودند بهشت حق حبل اسلحه را داشتند یا تهمیص  
رازهای بینها و سرمهنهای تصریفی ها؟ آن رهبری که پس از ۲۰ تیر  
تولد ها را به عقب نشینی واد اشت و وظیله دفاع از دستاوردهای  
های مبارزه تولد ای را به عهده "ارشی" گذاشت که جزو  
گزگز گرفته آزاده" حمله بود. سلولیت تاریخی فاقعه مظہعی  
را به عهده گرفت. این رهبری میان اتفاقی به تولد ها، تسلیح  
آشنا و سوردن کلیه قدرت ها به دست آنها و اتفاقی  
دانش جد از اکتریت و ارشی که گکسره در خدمت  
امیر پالیسیم ایجاد شد بود راه دوم را انتخاب گرد و شرجه  
اش را هم دید. این شرجه برای اکثریت پسندید گران  
امراز پس از گران تمام شد. امروز هم دولت موافق باز جنین  
سلولیت را پذیرفته، میان اعتماد به تولد ها به آتشوش  
فرجه نی ها پنهان بوده است و به ارشی امکان بقای حیات داده  
نمایند. در فرمت مناسب وا رد صحته شود. اما تولد هادر حال  
باز از سرگ رانده اند. آنها تحریره شکست انقلاب مشروطه و شکست ۲۸ مرداد  
را از سرگ رانده اند. اینها تحریره سپاه آموخته اند و زیان  
خلع سلاح شدن خود را دیده اند. معنای "بیطری" \*  
از تجزیا با گوشت و پوست خود احساس کرده اند. آنها  
در راهه اند اگر اسلحه هایشان جمع آوری و تهدید های  
ای سپاه را زیان دارم گویند شود "ارشی" نقش بهتر از  
از رفیق خلقی "شیلی ایقا" خواهد گرد.

حکومت جبهه خلق شیلی نیز تکه به ارتقیه بودوا داشت.  
بنوشه در دوران حکومت آن‌لند بر سرکار آمد بود، همچنان  
نه تمام دست پروزه‌گان سیا و سرمدیره‌گان ارجاع درهمین  
دوره حکومت مرتلف چشم بر راس ارش باقی ماندند. آنها  
بیز سرگرد و فاده ازی به زیرم جد بد خوردند بودند و اسلام  
بهرطريق "گرد" بودند. رئیس جمهوری که به قانون پسوزنی‌را  
سوگند سران قشون پاور داشت. سرتوشش در سه‌ماهی  
۱۹۲۷ تعیین گشت و حاصل مبارزه توده‌های سنتکش در  
کوه کوجیده شد. حکومتی که نیز خواهد از محدوده قواتمن  
دستگاه فراتر رود، در مرات تغییر مناسبات تولیدی حاکم  
پستاند، اما قدیمی به جلو بر نمی‌دارد و به توده‌ها اعتماد  
دارد، به انقلاب قوانان ایست میدهد. به کارگران من گوید  
نه تصادم نکنید. به دهقانان من گوید زمین را غصه نگنید و  
میته های کارگرگار را منحل می‌سازد. باری چنین حکومتی  
نه جز تحکیم و تکه به ارش بوزنی تدارد. ارش که  
نه بوجه خود به تقع نمایند گان مطیفن تر سرمایه و امیرالبیصم  
منها موضع من گیرد. در واقع راه دو بیش نیست با حرکت  
سوی حکومت کارگران و کشاورزان، تعیین تکلیف توده‌ها  
دست خود آنها و پیکار تا مطلع با امیرالبیصم و سرمایه داری  
با رازگشت به حکومت مستقر سرمایه است.

تجربه شیلی کاملاً ترین نموده ضعف دولتی را نشان  
ندهد که بواسطه اراده و خواست انقلابی توده‌ها به  
دست رسیده، اما اقد رشت را در راههای انقلابی و جهت  
نافاع تاریخی زحمکشان به کار نمی‌گیرد. دولتی که پیوسته